

انجمن ایالتی و خواسته‌های اجتماعی مردم اصفهان

○ عبدالمهدی رجایی

۲۴۹

مقدمه

با طلوع مشروطیت، بزرگ‌ترین تحولی که در ایالات و ولایات به وقوع پیوست، برپایی نهادی به نام انجمن ایالتی و ولایتی بود.^۱ این انجمنها ابتدا به عنوان انجمن نظار، و برای ترتیب دادن انتخابات مجلس شورا تشکیل گردیدند، اما به سرعت کارکردهایی فراتر از آن، برای خود دست و پا کردند. بویژه آنکه هم محلی برای هم نشینی و هم فکری مشروطه خواهان هر منطقه بود و هم طرف مراجعه و مشاوره مردم قرار گرفته، از این رهگذر نیز هویت تازه‌ای یافتند. مردم، انجمن ایالتی و ولایتی را برخاسته از خود می‌دانستند و گره‌گشایی از مشکلات خود را از آن نهاد تازه طلب می‌کردند. به این ترتیب، انجمنهای ایالتی و ولایتی، بدون آنکه جزو شعارهای اولیه مشروطیت باشند به صورت پایگاه اصلی مشروطیت در هر نقطه درآمدند. مجلس شورای ملی نیز با وجود مخالفتهایی که از سوی دربار نسبت به اصل وجود انجمنهای مذکور می‌شد، با تصویب «قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی» در سال بعد به وجود آنها رسمیت داد.^۲ در این قانون ۱۲۲ ماده‌ای، تعاریف و نحوه انتخاب اعضا و همچنین حوزه اختیارات و وظایف این انجمنها آمده است، که بر اساس آن، انجمنها نقش مجالس محلی را ایفا می‌کردند که تابع قوانین کلی کشور بود، اما در حوزه ایالت یا ولایت خود، اختیاراتی داشتند. مجلس در پی آن بود تا کار انجمنهای مذکور به خودسری و جداسری نکشد.

مصلحت‌مطالعات تاریخی

ماده ۸۷: «وظایف انجمنهای ایالتی منحصر است به نظارت در اجرای قوانین مقرر و رسیدگی و قرارداد در امور خاصه ایالت، موافق شرح ذیل. یا اخطار و صلاح‌اندیشی در صرفه و امنیت و آبادی ایالت.»

ماده ۸۸: «ایجاد قانون از وظیفه انجمنهای ایالتی خارج است.»

ماده ۸۹: «انجمنهای ایالتی می‌تواند در کلیه شکایاتی که از حکام ایالات و ولایات می‌رسد رسیدگی کرده، هرگاه رفتار حاکم برخلاف قانون باشد نقض قوانین را به او اخطار نماید و در صورت عدم ظهور نتیجه مراتب را به ادارات مرکزی دولت اظهار داشته احقاق حق متظلمین را بخواهد.»

همچنین راجع به مسئله مهم مالیات در اختیارات انجمنهای ایالتی چنین تعریف شده است. ماده ۹۱: «انجمن ایالتی حق نظر در وصول و ایصال مالیات به هر عنوان که موافق قانون مقرر شده باشد دارد. تصفیه شکایات راجع به مالیات و همچنین تحقیق در باب استدعای تخفیفات و تشخیص امر آفات برعهده انجمنها است.» این کار باید با تصویب وزارت مالیه انجام می‌شد.

راجع به وضعیت و نظارت بر ادارات، این اختیارات به انجمنها داده شده بود:

ماده ۱۰۲: «انجمن ایالتی می‌تواند به توسط رئیس انجمن، ایرادات خود را در اموری که راجع به منافع ایالت است و همچنین اعتراضاتی که در خصوص ترتیب و حوائج ادارات متعلق به ایالت دارد به وزارت خانه‌ها اظهار کند.»^۳

علاوه بر این به انجمنهای ایالتی اجازه داده شده بود که:

ماده ۶۸: «انجمن ایالتی می‌تواند مستقیماً بدون واسطه حاکم، مکاتبه با شعبات مختلفه ادارات دولتی در ایالت بنماید.»^۴

دو ماده اخیر به نوعی حق نظارت بر ادارات تشکیل شده را به انجمنهای ایالتی تفویض می‌کرد؛ حقی که افکار و خواست عمومی و نیز اعتبار و نفوذ انجمن، آن را پررنگ‌تر می‌کرد. به همین دلیل نیز قبل از تصویب قانون مذکور و در همان جلسات نخست، رسیدگی به شکایات مردم از جمله وظایف انجمن تعیین گردید.

این مقاله می‌کوشد خواسته‌های جمعی و غیرسیاسی مردم اصفهان را که در روزنامه‌های آن روزگار بویژه روزنامه انجمن مقدس ملی به عنوان ارگان رسمی انجمن ایالتی منعکس شده، جمع‌آوری و بیان نماید تا معلوم شود مردم شهر، بویژه آنانی که شاید با مفاهیم جدید مشروطیت نیز چندان آشنا نبودند، چه مشکلات و خواسته‌هایی داشتند و به علاوه معضلات جمعی مردم چه بود که سیستم سابق نتوانست از عهده آن برآید و مردم به محض انعقاد انجمن ایالتی، بدان روی آوردند.^۵ همچنین سعی شده است در میان طیف گوناگونی از خواسته‌های مردم، خطوط

مشترکی پیدا کرده، نوع خواسته‌های آنان را در دوره‌های اول و دوم انجمن اصفهان، با هم مقایسه کند. این مقاله آشکار کرده است که این بار سنگین چه مشکلاتی را برای انجمن پیش آورده و این نهاد نوپا چه راه‌حلهایی را برای انجام خواسته‌های مردم و در عین حال اجتناب از هجوم و هرج و مرج آنان تجربه کرده است.

نکته مهم این تحقیق آن است که می‌توان انقلاب مشروطیت را تحولی خواند که به لایه‌های گوناگون جامعه سرایت کرده بود. چرا که همیشه بعد از انقلاب یا هر تحول اساسی است که هجوم مطالبات و خواسته‌های مردم به سمت نهادهای انتخابی آغاز می‌شود و بی‌تردید اگر مردم، انجمن ایالتی را زایده‌ای وابسته به نظام پیشین فرض می‌کردند، هرگز چنین مشتاقانه بدان روی نمی‌نمودند. در تهران هم با انعقاد نخستین جلسات مجلس شورای ملی، هجوم درخواستها از این نهاد آغاز شد. از این رو، مجلس در نخستین نظام‌نامه داخلی خود مصوب ۱۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ پیش‌بینی کرد «چون عده عرایض به مجلس از طرف مردم غالباً زیاد خواهد بود، لهذا برای رسیدگی به عرایض، یک انجمن تحقیق عرایض برقرار می‌شود.» همچنین داشتن بلیت حضور در مجلس برای تماشاچیان، برابر نظام‌نامه، الزامی بود.

آمادگی برای پاسخ‌گویی

فرمان مشروطیت در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ به امضا رسید و نخستین جلسه انجمن موقتی ایالتی اصفهان چهارماه و نیم بعد، در ۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ در عمارت چهلستون با حضور جمعی از بزرگان شهر از جمله علما و تجار و دیوانیان برپا شد.

در همین جلسه، ظل‌السلطان، که از ۳۵ سال پیش بر این شهر حکومت می‌کرد، در حمایت و تقویت انجمن سخن راند. او خود را تابع احکام انجمن خواند «[احکام] مجلس مطاع است و قدرتها همه تابع مجلس است... هر حکمی که از مجلس صادر شود به این شمشیر اجرا می‌دارم.»^۶ وی در همان جلسه، ملااحمد ملاحاشی را نماینده خود در انجمن ایالتی معرفی کرد تا وی دستورات انجمن را پی‌گیری و اجرا نماید. ظل‌السلطان به او نوشت: «باید در هر شبه و سه‌شنبه به سمت نمایندگی من در مجلس محترم حاضر شوید. احکامی که از مجلس [صادر] می‌شود، چه در حضور و چه در غیاب من، با کمال قدرتی که به شما داده‌ام و همه قسم تقویت از طرف من می‌شود، به موقع اجرا برسانید.»^۷

این پشت‌گرمی و حمایت، به انجمن ایالتی اعتماد به نفس می‌داد تا با کمال قدرت به کار پردازد. تفویض بخشی از مدیریت ایالت به انجمن تازه تأسیس، نشان می‌دهد از همان آغاز، مشروطیت تحولی محسوب می‌شد که قرار بود مردم را نیز در مدیریت شهری و اداره امور

مشارکت دهد.

توجه و نیاز مردم به این کارکرد انجمن ایالتی به قدری بود که وقتی بعد از ظل‌السلطان، نظام‌السلطنه حکومت اصفهان یافت و چندی با انجمن ایالتی سرگرانی کرد، مردم جمع و مصرانه خواستار معرفی و اعزام نماینده حکومت به انجمن شدند. به گزارش روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان از آن روز، «جمعی کثیر از اهالی اصفهان عریضه داده و عارض بودند به کمال جد و ابرام که نماینده دیوان اعلی در انجمن کیست و مجری احکام صادره از آن کدام؟»^۸ فشار مردم و نامه انجمن موجب شد در جلسه بعدی، بیان الممالک به عنوان نماینده حکومت معرفی شود. اگرچه نماینده حاکم، بدون حق رأی در جلسات انجمن حضور می‌یافت و نوعی رابط میان حکومت و انجمن بود، اما وظیفه داشت احکام صادره از انجمن را به اجرا درآورد.

طرح خواسته‌ها: مشکلات و راهکارها

دومین جلسه انجمن ایالتی، سه روز بعد در نهم ذی‌قعدة برقرار شد. از این جلسه به بعد مردم توجه فوق‌العاده‌ای به انجمن نشان دادند، چرا که پی برده بودند انجمن نفوذ و قدرتی دارد که می‌تواند به شکایات آنان رسیدگی کرده، مشکلاتشان را حل کند. در گزارشی که روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان منتشر کرده آمده است: «جمعیت عمومی هم بسیار بود که همه‌همه و صدای خشنودی مردم در امر انتظام مجلس خلل انداخته بود. ولی چون روز اول رسیدگی و احقاقیات و انجام مقاصد است و نضیح نگرفته باید تحمل کرد.»^۹ علی‌رغم تصور عمومی مبنی بر رسیدگی انجمن به دادخواهیهای مردم، گروهی نیز وظایف بالاتری برای انجمن در نظر داشتند. «نکوتر آن است که اعضای انجمن مقدس اصفهان یا وقت را توزیع نمایند که قدری به احقاق حق مردم پردازند و قدری به مشاوره در امور و فکر در مصالح که ثانی اهم است و یا اشخاص را تقسیم کنند که بعضی به عرایض رسیدگی و بعضی دیگر به تدبیرات صایبه و افکار بی‌شایبه مشغول باشند... نه اینکه مجلس به جزییات پرداخته و از امور مهمه بازماند.» از این رو در همین جلسه قرار شد که «هر روز بیشتر از بیست عرض استماع نفرمایند.»^{۱۰} در همین جلسه به چند شکایت فردی نیز رسیدگی شد. در جلسه سوم، وضع بهتر بود. «مزاحمت و همه‌همه عمومی قدری بهتر شده بود ولی جمعیت بسیار بود.» در این جلسه نخستین شکایت جمعی طرح گردید: «در باب ایل نفر که مدت‌هاست نزدیک مهیار ساکن شده سرقت می‌کنند و اهالی آن حدود از دست تطاول آنها متظلم بودند.» این شکایت نشان می‌دهد که مردم خارج شهر، درست یک هفته بعد از تشکیل انجمن، به وجود و کارکرد آن پی برده، راهی آنجا شده‌اند. انجمن نیز مطالبه آنها را بی‌پاسخ نگذاشت: «حکم شد که مأمور دیوان اعلی آنها را از آن حدود خارج کند.»^{۱۱}

در جلسه بعد، انجمن نخستین تدبیر خود را به کار برد. مقرر شد مردم شکایات خود را به صورت کتبی و به ترتیب به انجمن ارائه دهند. «تماشاییان بیرون اطاق بودند و عرایض مردم به اختصار در ورقه مخصوص نوشته می شد و به مجلس عرض می شد. مطابق ترتیب و نمره.»^{۱۲} اما این نظم پایدار نماند؛ چرا که در جلسه بعد، هجوم مردم شاکی، کار را آن قدر خراب کرد که روزنامه از ذکر حوادث آن خودداری کرد؛ «از اینکه اهالی هنوز مربوط به ترتیبات جدید نیستند در مقام اظهار تظلم، پاره‌ای حرکات غیرمعارفه از آنها بروز می کند، لذا از درج مذاکرات یوم شنبه صرف نظر شد.»^{۱۳} همین هجوم زیاد مردم موجب شد رئیس انجمن، حاج آقا نورالله نجفی در جلسه بعد با عصبانیت اظهار کند: «وظیفه این انجمن مقدس مذاکره در اصلاحات کلیه و مشاوره در امورات نوعیه است و رسیدگی به جزئیات امور، خارج از وظیفه اوست.» هم در این جلسه بود که انجمن برای رسیدگی به شکایات از خود سلب اختیار کرد: «قرار بر آن شد که کلیه امور عارضین از طرف انجمن مقدس ارجاع به جناب جلالتمدار اجل اکرم آقای رکن الملک شود... و از همین قرار هم اعلان عمومی نشر شد و همان روز قریب نود عرض که در این چند روز به مجلس مقدس شده بود، ارجاع شد.»^{۱۴}

میرزا سلیمان خان رکن الملک، سالها رئیس دیوان خانه اصفهان بود و در نظام سابق، حکم عدلیه اصفهان را داشت و این تصمیم انجمن، بازگشتی به نظام گذشته بود. نکته مهم تر آنکه در طی پنج جلسه انجمن، نود شکایت بدان واصل شده بود.

اما این تصمیم انجمن نقطه پایانی بر مراجعه شاکیان نبود و شکایتها در جلسه بعد هم ادامه یافت. انجمن که نمی توانست نسبت به مراجعان خود بی توجه باشد، از تصمیم پیشین خود صرف نظر کرد، بویژه اگر مراجعان دستجمعی می آمدند. از جمله ساکنان «محلّه نو» از وجود «اداره گاریخانه» در محلّه شان شاکی بودند چرا که «حرکت گاری از خط محلّه مزبوره، باعث خرابی خانه و عمارات است بلکه گاهی شده که اطفال را هم صدمه زده.»^{۱۵} از همین گفته به نظر می آید که مردم شهر مطالبات نازل خود را نیز در انجمن مطرح می کردند.^{۱۶}

از آن پس، روزنامه انجمن با نگارش مطالبی، مردم را از طرح کردن مشکلات شخصی خود در انجمن برحذر داشت و آنان را به طرح خواسته‌های عمومی ترغیب کرد. «چند روزی پیش نیست که اسم آزادی و مشروطیت در مملکت ما برده می شود و از هزار، یکی پی به معنی حقیقی آن نبرده... متوقع است مجلس دارالشورای ملتی کار پا کار و کدخدای محلی یا محتسب شهری را بکند. مثلاً مشهدی تقی بقال به آقا نقی قصاب دو تومان ادعا دارد. وصول طلب و ادعای خود را از دارالشورای ملتی مستدعی [است]... ارزانی اسعار اجناس [را] که قوت غالب اهالی است، استدعا کنید که فایده اش عاید عموم فقراى مملکت باشد و نظافت شهری را مسئلت نماید که اسباب حفظ

صحت و رفع امراض مزمنه مسریه باشد... یا تغییر وضع حمامها یا تأسیس مریضخانه... یا افتتاح مکاتب و مدارس به طرز جدید.^{۱۷}

انجمن ایالتی اصفهان در ۱۴ ذی حجه، نخستین «نظام نامه موقتی» خود را در حضور شش هزار نفر از مردم شهر به تصویب رساند. در این آیین نامه داخلی، انجمن به طور رسمی بر وظیفه خود در حل مشکلات مردم تأکید کرد: «عارضین باید عرایض خودشان را کتباً به مجلس عرض نمایند.» با این حال متذکر شد که: «وظیفه مجلس محترم، مذاکره در مطالب کلیه و فواید عامه می باشد. رسیدگی به قضایای شخصیه و مطالب جزئی و وظیفه مجلس نیست مگر اینکه قضیه عمده و معتناها باشد.» بدین ترتیب مشخص می شود که انجمن ایالتی وظیفه خود را در برابر خواسته های مردم به درستی نمی دانست. در همین قانون داخلی، انجمن تکلیف خود را با مسئله پرشکایت مالیات چنین روشن کرد: «مجلس مداخله به امور مالیاتی دیوان نمی کند ولی اگر کسی مدعی اجحافی بشود حق رسیدگی و استدعاء او را از ایالت جلیله دارد» و طرف حساب خود را چنین معین کرد: «باید احکام مجلس بدون ملاحظه و طرفداری به توسط نماینده حکومت جلیله به موقع اجرا گذارده شود.»^{۱۸} چنان که گفتیم این قانون چهار ماه زودتر از قانون «انجمنهای ایالتی و ولایتی» در انجمن اصفهان به تصویب رسید. به این شکل خطوط کلی قانونی که قرار بود در مجلس شورا به تصویب برسد توسط انجمن معین شد.

چند روز بعد، طرح درخواست از انجمن، رنگ صنفی به خود گرفت. شاید با این ذهنیت که می شود از انجمن برای پیشبرد مقاصد صنفی استفاده کرد. برای نخستین بار، صنف بزاز اصفهانی برای مقابله با رقبای یهودی خود، متوسل به انجمن شد. آنان درخواست خود را با ترفندی غیراقتصادی مطرح کردند: «حضرات صنف بزاز عارض بودند از دست جماعت یهود که به عنوان پيله وری و فروختن جنس بزازی به در خانه های مسلمین می روند و معامله آنها با حضرات انائیه اسباب فساد عقیده و ارتکاب معاصی می شود و از انجمن مقدس رفع آنها را خواسته بودند.»^{۱۹} تصمیم انجمن منوط به جلسه ای با شرکت رؤسای صنف با ده نفر از یهودیان شد. در آن جلسه با حضور علمای شهر مقرر شد: «از تاریخ الیوم به بعد طایفه یهود در محلات اصفهان و خارج شهر الی دو فرسخ، معامله جنس بزازی و علاقه بندی و حریر به کلی ننمایند. انائاً و ذکوراً.» به آنان تا سه ماه مهلت داده شد که توسط زنان یا پیرمردان، بدهیهای خود را از در خانه ها جمع کنند.^{۲۰} این موفقیت بزازان موجب شد دیگر اصناف شهر نیز به انجمن مراجعه کنند. بدین شکل، طرح مطالبات از حالت توده ای یا محلی به شکل صنفی درآمد. در جلسه بعد نوبت به تجار رسید که با حضور در انجمن، از ورشکستگی و فرار شریکانشان به تهران شکایت کنند که قرار شد نماینده اصفهان در مجلس شورا قضیه را پی گیری کند. همچنین در جلسه دیگر «چند نفر از عوام

صفحه (۱)	اداره تحریریه	سال دوازدهم	قیمت اشتراک	شماره (۱۳)	
۱۱۰	اشرفها عنوان تکلیف بر مردم عنوان مدیر کل	۱۱۰	اشرفها ماژیلاد ایران دو تومان (۲۵) قران شهرتوان	۱۱۰	
	آقا سراج الدین صدرجل عالی المونسین عنوان تراکت بازاریکام زاده احمد عم مراسلات بدون مضامین کافی نیست	۱۱۰	قیمت تک نسخه چهارش این است سپس از ارسال شماره مطابقت می شود	۱۱۰	۱۱۰
۱۳۲	بیتاریخ شنبه ۱۳۲۵ صفر ششم ۱۳۲۵	۱۳۲	عظایب ۱۳۲۵ هجری ششمی	۱۳۲	
<p>جریداً اینها زاد از مضامین عامه و سیاسی است و ملت و مذاکره اینها بین مقدس علیاً صفها دلواغ و معالای غفیل درج میشود</p>					
<p>مذاکره اشراکات انجمن مقدس چله شنبه ۱۳۲۵</p> <p>بدیده رعایت حق ماوه (۹۹) نظامنامه ایلی شده رای انجمن از طرف</p> <p>حضرت تعلقه الاسلام - سالنامه در پیش است مسموع افتاده که آقا</p> <p>کلیف بیت انجمن ملی</p> <p>جناب عالی ملک انجمن که در سابق</p> <p>علا ملک حاکم صفهان شده و آدم خوبی و اهل قانون میباشد</p> <p>از کالت و عضویت انجمن مقدس بود بر بی مطالب است خاد بود</p> <p>اما در ماده (۹۹) نظامنامه ایلی نوشته شد هر حاکم که منصوب</p> <p>استغفار ایشان قبول نشد امروز بجزب خویش اعضا در و زود</p> <p>میشود باید از انجمن ملی آن محل استعلام شود اگر چه رای اعضا انجمن</p> <p>و این در و بجهت نمودر بسیار تبریک میگویم امروز چنان</p> <p>لازم الاجراست و این استعلام واقع نشده و اگر یک تلیت</p> <p>کرمین برای تعیین فروعات مایات شده بودند با انجمن آمدند و در</p> <p>اجرا کردند و هیچ حقی از خودشان اجرا نخواهد شد</p> <p>درین وقت فروعات مذاکره میاید</p> <p>حضرت تعلقه الاسلام - حکمای</p> <p>نظامنامه را فروعات نمودند بهین قسم بود</p> <p>بین اعضا انجمن در</p> <p>فروعات از روی توان شمار معسر، شود و گرنه از بهلای صحیح نخواهد</p>					

کسبه بازار عارض بودند که حجرات میدان نقش جهان را مقرر دارند تعمیر و محل خرید و فروش و داد و ستد شود که بعضی ماها دکاکین بازار را ترک نموده، در حجرات میدان سکنی بگیریم.^{۲۱} چون مالکیت حجرات میدان در اختیار چند نفر از نزدیکان ظل السلطان بود، از این رو رئیس انجمن مسئله را مسکوت گذاشت.

در نشست ۲۵ ذی حجه، انجمن راه دیگری برای تخصصی کردن بررسی شکایات پیدا کرد. در این نشست به واسطهٔ مراجعهٔ مکرر تجار و پیچیده بودن شکایات آنها، «آسید ابراهیم» پیشنهاد کرد «مجلسی از تجار محترم منعقد شود که امور تجارتی از انجمن مقدس به مجلس مزبوره رجوع شود.»^{۲۲} این پیشنهاد مورد استقبال قرار گرفت و در همان جلسه، اسامی بزرگان تجار نوشته شد. نخستین جلسه انجمن تجار در باغ حاج محمدحسین کازرونی تشکیل شد و به این شکل، انجمن تجار، مرجع رسیدگی به امور اصناف و طرف مشاوره انجمن گردید.^{۲۳} اولین موردی که انجمن ایالتی کارش را به انجمن تجار حواله داد، درخواست کفاشها بود که می گفتند: «قدغن فرمایید پوست از اصفهان حمل نشود. خودمان هر قدر پوست در سال عاید شود خریداری و مصرف می نمایم.»^{۲۴}

برای مسئله مهمی چون گرانی نان، بهترین کار مراجعه به انجمن ایالتی بود. در جلسه انجمن «جمعی عارض بودند که امر بفرمایید جنس حمل به خارج نشود.» البته گاهی هم طرح درخواستهای ضروری، روال قانونی خود را طی نمی کرد. «جمعیت زیاد فریاد می کردند و از گرانی نان عارض بودند که فقرا تمام شدند.» انجمن دو کار انجام داد: اول اعلامیه ای داد که «عموم اهل شهر مراقبت نمایند هرگاه کسی حمل جنس به خارج بلد نماید، جلوگیری نمایند.» و البته آن قدر اعتبار و قدرت داشت که به اثرگذاری اعلامیه خود مطمئن باشد. دوم آنکه جلسه ای با حضور «سرجوقهای خباز» تشکیل داد تا مسئله نان به صورت تخصصی پی گیری و حل شود.^{۲۵} تخفیف مالیاتی دیگر خواسته مهم صنوف مختلف بود. از جمله «صنف صباغ عارض بودند اجناس فرنگی مانع شده که مردم احتیاج به کسب ما داشته باشند و همان مالیات سابق را از ما مطالبه می کنند و نمی توانیم از عهدهٔ مالیات برآمده و باید به طهران برویم.»^{۲۶} حکم شد در تلگرافی به امیرزاهدی جواهری، وکیل اصناف در مجلس شورا، از او درخواست گردد برای آنها تخفیف بگیرد.

از این پس، مطالبات اصناف روز به روز غیرمنطقی تر می شد. وقتی حدود دو هفته به خاطر عزل ظل السلطان بازار بسته شده بود «اصناف عارض بودند این چهارده روز که دکاکین بسته بود مالکین کرایه نگیرند.»^{۲۷}

زه تابها هم به فکر افتادند با حمایت انجمن، رقبای تبریزی را از میدان به در کنند. «صنف

انجمن ایالتی و خواسته‌های اجتماعی مردم اصفهان

زه تاب عارض شده اند که ماها قریب پانصد نفر هستیم باید از این شغل معیشت ما بگذرد و چندین نفر از تجار تبریزی این عمل را انحصار نموده اند.»^{۲۸} انجمن ایالتی نمی توانست با استفاده از ابزار غیرقانونی تجار تبریزی را بیرون کند، پس در تلگرافی به وزیر مالیه، از او کمک خواست.

استفاده از ابزار انجمن برای غلبه بر رقیب ادامه داشت. «جمعی عارض بودند که هر جنسی وارد شهر می شود بعضی می روند جلوی بار که بخرند و تقریباً انحصار نمایند و نمی گذارند بارها داخل شهر بشود و صاحبش به اختیار خود بفروشد.»^{۲۹}

انجمن در طی پنج ماه فعالیت خود، هفتصد فقره شکایت، دریافت و بررسی کرد. ارگان انجمن در دفاع از این نهاد نوشت: «اگر تظلمات شخصی آورده اند، کتابچه ثبت موجود است. قریب هفتصد فقره تمام، یا ارجاع به عدلیه شده... یا اگر تجارتمی بوده به مجلس تجارت. یا دفتری از دفترخانه... و اگر عمومی و نوعی بوده از مصدر ایالت کبری اصلاح خواسته اند.»^{۳۰}

انجمن تجربیات تازه را درباره رسیدگی به عرایض بررسی می کرد. «از این پس یک نفر معین شد [شکایات مردم را] ثبت نماید و به جهت ملاحظه عریضه جات که آنچه صلاح عموم است، قرائت شود در انجمن و آنچه صلاح نیست به مشورت اجزای انجمن رسیدگی شود.»^{۳۱} انجمن دو نفر از علما و دو نفر از تجار را برای رسیدگی به این کار، معین کرد و به این شکل یک دفتر دادرسی در کنار انجمن تشکیل شد.

مسئله مالیات همیشه یکی از مشکلات میان مردم و حاکمیت بوده است بویژه برپایی نظام مردمی مشروطیت و حذف فشار و ظلم دوران استبداد، عده‌ای را به فکر انداخته بود تا به روشهای مختلف از پرداخت مالیات سرباز زنند. از جمله یک بار چند هزار نفر برای فرار از مالیات به مسجد شاه پناه بردند و این امر برای انجمن دزدسری تازه و مهم بود. رئیس انجمن، حاج آقا نورالله، توصیه کرد: «دو سه هزار نفر رعیت در مسجد شاه متظلم هستند و خیال می کنند همان تعدیات سابق که در امر مالیات می شده حال هم می خواهند بنمایند. خوب است محض آسایش رعیت ایالت کبری دامت شوکته دستخطی بفرمایند و امیرزا اسدالله خان [وزیر مالیه اصفهان] هم صورت فرد بدهند که مالیات از روی کتابچه معمولی داده شود.»^{۳۲}

گاهی نیز دغدغه‌های فرهنگی، عده‌ای را به انجمن می کشانید. در اصفهان علاوه بر پنج مدرسه به سبک جدید، با طلوع مشروطیت، چند مدرسه دیگر هم افتتاح شد. با این حال مدارس پیشرفته خارجی هنوز هم بر مدارس دیگر ارجحیت داشت و نگرانی عده‌ای را برانگیخته بود. «بعضی عارض بودند که اطفال مسلمانان را غدغن نمایند مدرسه اسقف نروند.»^{۳۳} انجمن هم در نامه‌ای به حاکم اصفهان، خواستار ممنوعیت رفتن فرزندان مسلمان به مدرسه مذکور شد.

شماره ۱۱۱ (شماره ۸) ...

ببین چه خبرها

تیت اشیرالک شاملیانه
اصطیان ...
تازولاداران ...
بلکه خاربه ...
تیت یک نصر ...
تیت احلالان ...
بسیار از رساله ...

عزایه تفکرات و مسائل
بربریده ایمن
مکتبچه کرمانه برسد
دع شود و چه شود
حق استریاد شفا رذ
تفالات غار المغنر قوله
در جرح و تعدیل اداره اناقا
مستشیر طبع و مستشیر قدح

روزنامه ایستاد، ربعی، ملی، سیاهو اقتصای اخلاقی، و فداکاران بخیرین لایق درج میشود

انظار این ام تکلیف لا یوجب تکلیف واصله برینجا نهند
باز هم بد بخانه رسیدیم بامد و زنا میگردد انسان قوم
دانشگاه وطن بلکه ارکان دیانتان در نزول و روح مینما
در خط و حقوق و نظیر و طبقه بشکوه بشوید مان لکه کوب و
تکلیف دینی اسلامی زیاد بر این با نظار نشین حدس بقی
دست گاردن را افشای نماید اگر حقوق بن الملل مری در
ان منظور است که کون لاک انظار ناچینی و آگهی بقی لافان
بدون داشتند داخلی از حیث الترمجوم علماء و کما لیسوا
هم در منشیات اسلامت خود بیخ توامند کرد عالمه جامع
امشادیه نیز استمر در دستبر بالکینه که از این قدم دین فاعله
درین خواهی است بقرآن الله تم و چنین بآید باید سر برینا
شود علی کل حال تخیر لا عاجلا مؤمنند و خواب لکران
در خصوص خواب یاد داشت سفیرین با هم منظم انبه تم
۲۸ شهر صیام ۱۳۲۸ (عبدالهادی انزلی) (تحریر طاهر انزلی)

استاد مخرمیل است
نظریه ای که در این هفته بریده فیده تحت اشرف هر جدول
پخشیه و حامیه بعضی مطالب جهر بود بلا نظار الا که فالان
بعل صفره از شماره ۳۴ و صفره الی ۴ از شماره ۴۰ میریاد
که در صورت ملک الگه و بصیرت تکالیف خود چگونگی و نقل بیانات
اسلامی اصناف عمره ایمن و اذن غوی انها چایض این کون
مطالب بر طبقه افراد اسلامی بریزد و خوب یعنی است که
در این مقام باید کوفای و تصور و تکامل و زیند خاصه انما
خود را نیز خواه و زبان اسلام میبندند انما لا یجوز
صومر که شخصاً مبارک صحر انما فانان هیچ ایستاد با ان
فالان را تا با این صحر انما با این که در خصوص انما
و در بیان قول استمر انما با انما و انما ای کبرای علی شیدا قدر
از کما مخرمیل است

خلاصه ترجمه و متون مکتوب جناب اجل توفیق جنرال
دولت دوس در بغداد که بیکل خودشان ان ابوالعالمین
معلم تحت اشرف نوشته در ۲۶ شهر صیام ۱۳۲۸ مدینه
جناب ان ابوالعالمین شریفی خدمت حضرت اب
نعت خاتم کتبات و دست برداری عارضه با اینها بود که برادر
پوشا ناو یکم آن حضرت وصدی که برادریم لیا لیه هم پای او گاهی است و خودش میباید استقامت بیستاد که معلوم لار و
مطلب سهل و طریقی است که توفیق او را از خود دور کنی و هوای برای خویش خور و کجوه خالی نمانی و سبب آن حضرت او و صلوات الله برهم و خرد
العیس (هری) کت ز در این کار زمین متلازم است در این عمل اصلاح احوال باشد است و نه من نکت مدغم نعت خاتم کت
این حرف نوزدهمین است و علی آن برین کل تجزیه هم کسی با این بر گردانیدن این سوخت در قرآن است بینه (هری) کت من (نعت)

طهران جلسه شورای ملی سینه الله اکبات
در این مدت ده ماه کرا از افتتاح مجلس عمره گذشت
وصول بشادت خیر قشون دوس و تخلص از تمار مشب
مداخلات و مجادلات ظالمان را جشن خرافت میوان عظام
ملک ایدم الله تم مترصد و بعد از نیک دم جید شرف
و بواسطه خائب نظرات فذله و شایر جوا که اغلب بدمش
در ظاهر و ختیه مسند بود حقوق ماند حالا با انکه کما پیشتر
نعت خاتم کت ابان و دست برداری عارضه با اینها بود که برادر
پوشا ناو یکم آن حضرت وصدی که برادریم لیا لیه هم پای او گاهی است و خودش میباید استقامت بیستاد که معلوم لار و
مطلب سهل و طریقی است که توفیق او را از خود دور کنی و هوای برای خویش خور و کجوه خالی نمانی و سبب آن حضرت او و صلوات الله برهم و خرد
العیس (هری) کت ز در این کار زمین متلازم است در این عمل اصلاح احوال باشد است و نه من نکت مدغم نعت خاتم کت
این حرف نوزدهمین است و علی آن برین کل تجزیه هم کسی با این بر گردانیدن این سوخت در قرآن است بینه (هری) کت من (نعت)

انجمن در این زمان تصمیم گرفت نهاد جداگانه‌ای برای دادرسی برپا نماید که زیر نظر انجمن کار کند و اعضای آن نیز منصوب انجمن باشند. گفتنی است در این زمان، وزارت عدلیه با اعزام مأمور از تهران در ایالات و ولایات به تشکیل اداره عدلیه اقدام می‌کرد. گویا در این زمان عدلیه اصفهان وضع بسامانی نداشت. از این رو انجمن تصمیم گرفت «انجمن ایالتی و عدالتی» برپا نماید: «هفته‌ای سه روز تشکیل انجمن علی حده، سوای انجمن مقدس ملی، بلکه انجمن ایالتی و عدالتی بنا شده به این ترتیب اعضای انجمن: دو نفر از علما و شخص نواب والائایب الایاله دام اقباله و دو نفر از تجار و دو نفر از جانب اصناف، مجموع بوده باشند. برای رفع پریشانیها.»^{۳۴} گویا این نهاد تازه چندان نپایید. چرا که بعد از این خبری از تصمیمات و جلسات آن نیامده است.

وضعیت سکه‌های پول یکی از نشانه‌های مهم پیشرفت یا انحطاط اوضاع اقتصادی کشور می‌باشد. اوضاعی که چند سالی قبل از مشروطیت به واسطه خشکسالی و شیوع بیماری وبا، بسیار وخیم شده بود. هر چه بود مردم در مقابل کسبه، پناهی جز انجمن سراغ نداشتند. «عریضه عموم مردم در خصوص کلیه پولی که شکسته است. نوع صراف و کسبه بهانه جویی می‌نمایند بر نمی‌دارند و کم می‌کنند.»^{۳۵} انجمن اصلاح کار را از حاکم شهر، نیرالدوله، تقاضا کرد.

۲۵۹

مشکل اساسی نان همیشه گلوی انجمن را می‌فشرده و کار خراب‌تر از آن بود که اعتبار و یا نفوذ انجمن آن را حل کند. «امروز جمعیت کثیر و جم غفیر. قریب هفت، هشت هزار جمعیت، من جمله تقریباً دو هزار نفر از سادات اعلی درجات از دست خبازهای شهر دادی بودند و فریادها می‌زدند به نحوی که شاهد بر صدق عرایض خود، نانهای زیادی از دکانهای خبازی آوردند در انجمن مقدس ریختند. الحق و الانصاف مرکب از همه چیز بود الا از آرد و گندم.»^{۳۶} آن روز به قدری اوضاع انجمن آشفته شد که «از کثرت ازدحام عارضین و تراکم متظلمین انجمن مقدس بر هم خورده، رسیدگی نشد.» اما در جلسه بعد، کمیسیونی با حضور یازده نفر از اعضای انجمن قرار شد درباره نان تصمیم‌گیری نمایند.

بعد از این هجوم، که انجمن تصمیم گرفت برای نظم مجلس، گارد ویژه تشکیل دهد؛ تجربه‌ای که خوب از کار درآمد. جلسه بعد، «انجمن بسیار با نظم و ترتیب بود. اعضای انجمن در تالار چهلستون جلوس نموده، فداییان که تمام نشان نقره «فدایی مجلس شورای ملی» در سینه آویخته، دو صف جلوی عمارت صف کشیده، پشت سر آنها جمعیت تماشاگران تقریباً ده هزار نفر.»^{۳۷}

شکایت دیگر مردم، از سدمعیر کسبه بود. «عارض عموم در باب گرفتن جاده‌ها و شوارع عام را که کاسبان به هر استسبایی، از قبیل بستن سکو و گذاردن تخته‌ها و ریختن فواکه، جاده‌ها را سد می‌کنند.»^{۳۸} انجمن، موضوع را به عدلیه ارجاع داد اما روزنامه ارگان انجمن رسیدگی به این

مطالعات تاریخی

کارها را در عهده اداره بلدیه دانست که می بایست تشکیل می شد. به این ترتیب نخستین بار، ایجاد اداره بلدیه در اصفهان مطرح شد.

خیاطها هم به فکر افتادند تا به وسیله انجمن ایالتی، از زیر بدهی خود شانه خالی کنند. «حضرات صنف خیاط عارض بودند که اقساطی در باب خرید چرخهای خیاطی با فرنگی قرار داده ایم از ایصال آن به واسطه کسادی بازار عاجز هستیم.»^{۳۹} انجمن رسیدگی به این مسئله را به یکی از اعضای خود، ملک التجار، حواله داد.

بالاخره انجمن ایالتی تصمیم گرفت با تشکیل اداره بلدیه، بخشی از شکایتها را به آن اداره روانه کند و خود به کارهای مهم تر برسد. درباره علت تصمیم انجمن، حاج محمدحسین کازرونی، عضو انجمن گفته بود: «البته باید اداره بلدیه تشکیل شود. چنان چه پنیر را گران کرده اند و اکنون به انجمن مقدس عارض می شوند. این گونه مطالب حق انجمن مقدس نیست. فقط با اداره بلدیه است.»^{۴۰} البته قانون بلدیه چند ماه قبل، یعنی در ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵ از تصویب مجلس شورا گذشته بود.

با پشتیبانی همه جانبه انجمن ایالتی، انتخابات انجمن بلدیه برگزار شد و شورایی مرکب از نوزده نفر از منتخبان شهر، انجمن بلدیه اصفهان را تشکیل دادند. زیر نظر این شورا، اداره بلدیه، امور مربوط به مسائل شهری را در عهده تصدی خود گرفت.

با این حال دعوا میان اصناف شهر و استفاده از انجمن، برای پیشبرد مقاصد صنفی ادامه داشت. «امروز اصناف سراج و ارسی دوز و کفش دوز تماماً دکانهای خود را بسته، فقط برای این عارض بودند. به لحاظ غدغن سابق که پوست حمل نشود. پوست از سده، تجار خریده اند و به شهر آورده اند برای حمل. چرا غدغن را شکسته اند؟»^{۴۱}

انجمن هم به صف منتقدان از حاکم شهر پیوست. این بار به خاطر ناامنی در داخل و خارج شهر «جمعیت فوق العاده از اهالی در چهلستون اجتماع نمودند. فقط شاکی از دست حکومت و نرسیدن به کار رتق و فتق امور و ناامنی طرق و شوارع و بی عدالتی و سرقت داخلیه.»^{۴۲} شلوغی آن روز انجمن، یک بار دیگر حاج آقا نورالله را به واکنش واداشت: «ثقة الاسلام نطقی نمودند که اعضای انجمن نباید به کارهای جزئی، اوقات مصروف دارند. مثل عرایض جزئی اهالی. باید اول به عدلیه رجوع نمایند اگر از عهده برنیامده، به انجمن مقدس اخطار شود.»^{۴۳} سپس به اطلاع عموم رسید: «عموم اهالی اصفهان بدانند که بعد از این عرایض خود را، از قبیل منازعات و مراغه جات و غیره، به اداره جلیله عدلیه رجوع و عرض نمایند، هرگاه رسیدگی نشد، حق دارید رجوع به انجمن محترم نمایید.»^{۴۴} این چندمین بار بود که انجمن اعلام می کرد به امور شخصی افراد رسیدگی نمی کند.

هر چه زمان می‌گذشت مسئله مهم عدم امنیت، بیش از پیش خودنمایی می‌کرد. بخشی از این ناامنی به دلیل فروپاشی نظام امنیتی سابق و عدم شکل‌گیری نظام جدید بود. مثلاً تا پیش از آن، امنیت محلات با کدخدا و عمال او بود؛ اما در نظام جدید، اداره نظمی برای این کار تشکیل شد. در خارج شهر، امنیت هر بخش از جاده با حکام ریز و درشت آن محل بود اما در نظام جدید، قراسوران در پی تشکیل سازمانی جدید برای خود بودند. اگر چه بخشی از ناامنی موجود به واسطه چراغ سبز دربار محمدعلی شاه برای دلسرد کردن تجار از مشروطیت بود. از جمله بختیارها در راه مورچه خورت، کاروانی دویست نفره را چپاول کردند. غارت شدگان از همان جا به خانه حاج آقانورالله پناه بردند. سپس به جلسه انجمن ایالتی حاضر شدند، «نطقهایی نمودند مهیجانه... که ما را لخت کردند، کردند. حرفهای سخت کفرآمیز زدند، زدند. اموال ما را هر چه داشتیم بردند، بردند. امان از ناموس. هزار دریغ و افسوس که روز روشن، زن که ناموس است، در ملاءعام برهنه کردند.»^{۴۵} مردم از این صحنه آن قدر خشمگین شدند که بی توجه به نظر انجمن، به تلگراف خانه رفته ماجرا را به تهران گزارش کردند. نیز اعلام کردند تا آمدن پاسخ از تهران، تلگراف خانه را در تصرف خود نگه خواهند داشت. حاکم اصفهان هم مشکل خودش را داشت. به وسیله نماینده‌اش پیغام فرستاد که «من چه کنم. راهها در عهده بختیاری است و حکومت بختیاری که با من نیست.»

۲۶۱

سید حسن قمشه‌ای [مدرس]، عضو فعال نخستین انجمن ایالتی اصفهان بود. او یک بار مشکلات انجمن ایالتی را به عنوان واسطه میان حکومت و مردم، چنین بازگو کرد: «معنی مشروطه آن است که وکلاء منتخبه در انجمن، آنچه صلاح عامه را می‌دانند، باید گفتگو نمایند. حق اهالی نیست که هر روز فریاد کنند یکی را می‌خواهیم و یکی را نمی‌خواهیم. این حکومت حالیه [نیرالدوله] ابدأ در هیچ امری مداخله نمی‌نماید و به امورات حکومتی خود رفتار نمی‌کند. به هیچ وجه مجازات سارقین را نمی‌دهد. مال مردم را نمی‌گیرد و مسترد نمی‌نماید.»^{۴۶}

فرار از مالیات هنوز هم ادامه داشت. «صنف چیت‌ساز عارض بودند که ما را ممکن نیست اصل مالیات را پردازیم. فعلاً مطالبه اصل و فرع را می‌نمایند.»^{۴۷} مسئله به وزیر مالیه اصفهان ارجاع شد.

در این زمان، دیگر حتی حاشیه‌نشینان جامعه، یعنی درویشان و همین‌طور ارامنه جلفا هم برای دادرسی به انجمن اصفهان رجوع می‌کردند.^{۴۸}

هر عاملی می‌توانست اصناف را با سر و صدای زیاد به گرد چلستون جمع کند و درخواستهایی ارائه دهند که گاهی برای اعضای انجمن مقبول نبود: «جماعت کثیره از کسبه بازار آمدند و داد و فریاد می‌کردند در خصوص کرایه دکاکین که مالکین از ما زیاد کرایه می‌گیرند و از بس فریاد کردند

اعضای انجمن برخاستند.^{۴۹}

از آن پس، اصناف تصمیم گرفتند با تشکیل انجمنهایی، مطالبات خود را به شکل گروهی پی‌گیری نمایند. چرا که در این مدت دریافتند با مطالبه گروهی، زودتر به مقصد می‌رسند. پس «اصناف عموماً عریضه به انجمن ارائه نمودند بر اینکه می‌خواهیم انجمنی از خود تشکیل دهیم و از هر صنف سه نفر را انتخاب نماییم. برای اصلاح امورات صنفیه خود.»^{۵۰} انجمن هم مخالفتی نداشت.

بالاخره طلاب هم راهی انجمن ایالتی شدند، اما خواسته آنان اقتصادی نبود. «جمعی از طلاب مدرسه سلطانی چهارباغ عارض بودند. چند شب قبل، باز اشرار سرکشی کرده‌اند و پشت مدرسه تیرانداخته‌اند. ما ایمن نیستیم.»^{۵۱}

با آنکه اداره عدلیه، باید مرجع تظلمات مردم می‌بود، اما عدلیه اصفهان اوضاع آشفته‌ای داشت. چرا که سه نفر هم زمان به توصیه سیدعبدالله بهبهانی به اصفهان آمدند و هر سه نیز حکم ریاست عدلیه اصفهان را داشتند.^{۵۲} دعوای میان آنها، مردم اصفهان را به انجمن کشانید. «در این وقت عموم اهالی فریاد می‌زدند که ما عدلیه صحیحه می‌خواهیم. تا شعبه عدلیه به اصفهان نیاید، ساکت نمی‌شویم.»^{۵۳} انجمن نیز در این خصوص با تهران مکاتبه کرد.

تلاش برای نپرداختن مالیات، دیگر صنوف اصفهان را نیز وسوسه کرد. «صنف کلاه‌دوز و کلیچه‌دوز، عارض بودند به جهت منع از ذبح بره. کار ما مختل و پوست به ما نمی‌رسد. از دادن مالیات عاجز هستیم و یک صد تومان مالیات از ما می‌خواهند.»^{۵۴} در همان جلسه پنبه‌کاران هم از مالیات شاکی بودند. «حضرات پنبه‌کار عارض بودند که مالیات از جوزق و ندافها زمان مرحوم مظفرالدین شاه موقوف شد. حال اداره بلدییه مطالبه می‌کنند.»^{۵۵}

چندی بعد انجمن ایالتی تصمیم گرفت کمیسیونی به نام «کمیسیون تحقیق» ترتیب دهد. این کمیسیون به بررسی شکایات مردم می‌پرداخت.^{۵۶}

بیشترین شکایتها با هدف عدم پرداخت مالیات ارائه می‌شد و از پاسخ انجمن به قنادها معلوم می‌شود که، انجمن ایالتی، دفتر مالیاتی را از وزیر مالیه گرفته نزد خود نگه‌داری می‌کرد. نیز در پاسخ به فراریان از مالیات روش سختگیرانه‌تری را در پیش گرفته بود: «قنادها عارض بودند که می‌خواهند در مالیات به ما اجحاف نمایند. گفته شد که اگر مطابق با ثبت دفتر است، که به انجمن داده‌اند، باید بدهند و اگر می‌گویند مخالف است و زیادی دارد، باید تحقیق کرد.»^{۵۷}

پس از وقوع مشروطیت، قدرت قاهر دولت شکسته شده بود و مطالبات انباشته شده حقیقی و کاذب مردم و صنوف مختلف به یکباره سربرآورد و گاهی مردم برای ارائه درخواستهای خود،

<p>صفحه ۳</p> <p>شماره ۳۳</p> <p>دومین</p> <p>روزنامه دیم مظالم می شود</p>	<p>(کتابخانه و نشریات)</p> <p>شماره ۳۳</p> <p>دومین</p> <p>روزنامه دیم مظالم می شود</p>	<p>شماره ۳۳</p> <p>دومین</p> <p>روزنامه دیم مظالم می شود</p>	<p>شماره ۳۳</p> <p>دومین</p> <p>روزنامه دیم مظالم می شود</p>
<p>روزنامه دیم مظالم</p> <p>(شماره ۳۳)</p> <p>۵ شنبه ۹ شهر شوال المکرمه (۱۳۲۹)</p>			
<p>عصر تغییرات دهند در حکم آن است که هر روزی مملکت خود را در حقیقت نماند بخشیده بر حقیقت خیانتی از رده باشد چنانچه مملکت انگلیس مملکتی است که بواسطه وازداد جهان تمدن هر روزه در ارتفاع و غرابت و منظر درجات خاک را مثل برقی سکنه و اهالی آن مملکت از هوای شهری میگذرانند اصول تمدن تمدنی شده هفتاد باشضاء عنصر وضع و اجزاء تمدن جدیدی مملکت خود را نوسیدند و همین عیادت جهان در حقیقت آن مملکت را صفحه ۳۰ هر روزی یک صورت زینت نماید کرده که اگر همین طور پیش رود و البته پیش خواهد رفت بهر سستی خواهد رسید و اگر چنانچه مملکتی مضمین پوری نکرده و از کتب تمدن امروزی صرف نظر کند این مملکت مملکت جبهه می توان خواند (چرا) حرکت و ترقی که از لوازم حیات ابتداء درازان مشهود خواهد شد بلکه هر روزه دینی پیش رفت می رود تا صورت آن هم از دایره وجود پای بردن نهاد که اگر تاریخ ملاحظه کنیم مملکت مملکت و انحلال هر مملکتی همین خواهم دید (پایان) بر سر ایران این مملکت قدیم در این جهت حکم تغییر وضع تمدن و پوری مضمین عنصر امروزی جستجو بود بی روح در ظاهر یک سال دین هیچ باقی ولی در مؤمن با مال نرسد بنابر سقوط هر یک که اگر اینها دوران مملکت راه نیاندیشد تا یک نتیجه اجزاء اصول تمدن حیات بخش کرده بود بلور ستم امروزی چندی بود که مملکت سازنده در طریقی نمائند مدعوی بود</p>	<p>عصر تغییرات دهند در حکم آن است که هر روزی مملکت خود را در حقیقت نماند بخشیده بر حقیقت خیانتی از رده باشد چنانچه مملکت انگلیس مملکتی است که بواسطه وازداد جهان تمدن هر روزه در ارتفاع و غرابت و منظر درجات خاک را مثل برقی سکنه و اهالی آن مملکت از هوای شهری میگذرانند اصول تمدن تمدنی شده هفتاد باشضاء عنصر وضع و اجزاء تمدن جدیدی مملکت خود را نوسیدند و همین عیادت جهان در حقیقت آن مملکت را صفحه ۳۰ هر روزی یک صورت زینت نماید کرده که اگر همین طور پیش رود و البته پیش خواهد رفت بهر سستی خواهد رسید و اگر چنانچه مملکتی مضمین پوری نکرده و از کتب تمدن امروزی صرف نظر کند این مملکت مملکت جبهه می توان خواند (چرا) حرکت و ترقی که از لوازم حیات ابتداء درازان مشهود خواهد شد بلکه هر روزه دینی پیش رفت می رود تا صورت آن هم از دایره وجود پای بردن نهاد که اگر تاریخ ملاحظه کنیم مملکت مملکت و انحلال هر مملکتی همین خواهم دید (پایان) بر سر ایران این مملکت قدیم در این جهت حکم تغییر وضع تمدن و پوری مضمین عنصر امروزی جستجو بود بی روح در ظاهر یک سال دین هیچ باقی ولی در مؤمن با مال نرسد بنابر سقوط هر یک که اگر اینها دوران مملکت راه نیاندیشد تا یک نتیجه اجزاء اصول تمدن حیات بخش کرده بود بلور ستم امروزی چندی بود که مملکت سازنده در طریقی نمائند مدعوی بود</p>	<p>عصر تغییرات دهند در حکم آن است که هر روزی مملکت خود را در حقیقت نماند بخشیده بر حقیقت خیانتی از رده باشد چنانچه مملکت انگلیس مملکتی است که بواسطه وازداد جهان تمدن هر روزه در ارتفاع و غرابت و منظر درجات خاک را مثل برقی سکنه و اهالی آن مملکت از هوای شهری میگذرانند اصول تمدن تمدنی شده هفتاد باشضاء عنصر وضع و اجزاء تمدن جدیدی مملکت خود را نوسیدند و همین عیادت جهان در حقیقت آن مملکت را صفحه ۳۰ هر روزی یک صورت زینت نماید کرده که اگر همین طور پیش رود و البته پیش خواهد رفت بهر سستی خواهد رسید و اگر چنانچه مملکتی مضمین پوری نکرده و از کتب تمدن امروزی صرف نظر کند این مملکت مملکت جبهه می توان خواند (چرا) حرکت و ترقی که از لوازم حیات ابتداء درازان مشهود خواهد شد بلکه هر روزه دینی پیش رفت می رود تا صورت آن هم از دایره وجود پای بردن نهاد که اگر تاریخ ملاحظه کنیم مملکت مملکت و انحلال هر مملکتی همین خواهم دید (پایان) بر سر ایران این مملکت قدیم در این جهت حکم تغییر وضع تمدن و پوری مضمین عنصر امروزی جستجو بود بی روح در ظاهر یک سال دین هیچ باقی ولی در مؤمن با مال نرسد بنابر سقوط هر یک که اگر اینها دوران مملکت راه نیاندیشد تا یک نتیجه اجزاء اصول تمدن حیات بخش کرده بود بلور ستم امروزی چندی بود که مملکت سازنده در طریقی نمائند مدعوی بود</p>	<p>عصر تغییرات دهند در حکم آن است که هر روزی مملکت خود را در حقیقت نماند بخشیده بر حقیقت خیانتی از رده باشد چنانچه مملکت انگلیس مملکتی است که بواسطه وازداد جهان تمدن هر روزه در ارتفاع و غرابت و منظر درجات خاک را مثل برقی سکنه و اهالی آن مملکت از هوای شهری میگذرانند اصول تمدن تمدنی شده هفتاد باشضاء عنصر وضع و اجزاء تمدن جدیدی مملکت خود را نوسیدند و همین عیادت جهان در حقیقت آن مملکت را صفحه ۳۰ هر روزی یک صورت زینت نماید کرده که اگر همین طور پیش رود و البته پیش خواهد رفت بهر سستی خواهد رسید و اگر چنانچه مملکتی مضمین پوری نکرده و از کتب تمدن امروزی صرف نظر کند این مملکت مملکت جبهه می توان خواند (چرا) حرکت و ترقی که از لوازم حیات ابتداء درازان مشهود خواهد شد بلکه هر روزه دینی پیش رفت می رود تا صورت آن هم از دایره وجود پای بردن نهاد که اگر تاریخ ملاحظه کنیم مملکت مملکت و انحلال هر مملکتی همین خواهم دید (پایان) بر سر ایران این مملکت قدیم در این جهت حکم تغییر وضع تمدن و پوری مضمین عنصر امروزی جستجو بود بی روح در ظاهر یک سال دین هیچ باقی ولی در مؤمن با مال نرسد بنابر سقوط هر یک که اگر اینها دوران مملکت راه نیاندیشد تا یک نتیجه اجزاء اصول تمدن حیات بخش کرده بود بلور ستم امروزی چندی بود که مملکت سازنده در طریقی نمائند مدعوی بود</p>

از روشهای غیرمنطقی نیز استفاده می کردند. روزنامه انجمن مقدس در این باره به مردم توصیه کرده بود «بی جهت بلوا ننمایند. دکان بستن و این نوع هرزگیها را موقوف دارند. مثلاً فلان چیز یک شاهی که گران شد آن وقت بلوا نمایید و شهر را آشوب و مغشوش کنید. فریب نخورید که بعضی بخواهند مقاصد خود را اجرا دارند.»^{۵۸} در ادامه به مردم راهکار نشان می دهد که چه کنند: «هر وقت مطلبی پیش آمد که اصلاحش را می خواهید، فوری یا به انجمن مقدس یا به اداره عدلیه یا نظمیہ اخطار نمایید. آن هم به چه شکل؟ یک دو سه نفر از عقلا و کاردیده های خود را انتخاب نموده، بفرستید.»^{۵۹}

انجمن تحقیق هم، راههایی برای جلوگیری از هرج و مرج در انجمن داشت: «مذاکرات انجمن تحقیق قرائت شد. من جمله این بود که تماشاجی روزهای انجمن در چهلستون، بدون بلیت وارد نشوند.»^{۶۰} این تصمیم تصویب نشد اما در تأیید آن، یکی از اعضای انجمن گفت: «می گویند در مشروطه نطقها آزاد است و ما غیر از این می بینیم. مردمان اطرافی نمی گذارند که ما نطق خود را صحیح بکنیم.»

با وجود همه این مشکلات، انجمن در پی ناامید کردن مردم مشتاق نبود، حتی اگر حکومت مانع می شد. «عریضه از طرف عموم آوردند که اگر اهالی اجتماع نمایند و به انجمن عارض شوند، حکومت حق ممانعت دارد یا نه؟ نوشته شد اجتماعات آزاد است. بنا بر قانون، مادامی که مخل به آسایش عموم نباشد.»^{۶۱} انجمن ایالتی به خوبی واقف بود که بخش زیادی از اعتبار و اهمیتش را در سایه حمایت افکار عمومی به دست آورده است.

اهالی بلوک اطراف شهر نیز برای فرار از مالیات، راه انجمن را در پیش گرفتند و گاهی که به صورت جمعی به انجمن هجوم می آوردند، کار را به غایت آشفته می نمودند. «در این وقت رعایای رنانی، مجتمعاً آمدند و داد و فریاد می زدند که به ما احصاف می نمایند در فروع مالیات.» سخنان رئیس انجمن با آنان، نتوانست آنها را قانع کند و کار بدانجا رسید که اعضای انجمن عصبانی شدند. «در آن وقت اعضای انجمن مدعی شدند که اینها مردمان هرزه هستند و صلاح انجمن نیست که گوش به حرفهای لاطائل آنها بدهند.» اما واکنش معترضان هم خواندنی است: «آن وقت رعایای گیوه پا، هرزگی را به آنها رسانیدند و تا توانستند بی احترامی به انجمن و اعضای انجمن نمودند.»^{۶۲} این بی احترامی چنان بر اعضای انجمن سخت آمد که وقتی در جلسه بعد، رئیس انجمن از آنها خواست عرایض خوانده شود، گفتند: «این در صورتی است که شرافتی برای ما باقی گذاشته باشند... دیگر به چه قوه و دلخوشی می توانیم وارد این نوع کارها شویم.»^{۶۳}

با اینکه انجمن راجع به تخفیف مالیاتی مقاومت می کرد و ملامت می شنید، با این حال پیشکار مالیه اصفهان، در تهران انجمن ایالتی اصفهان را متهم کرده بود که مردم را به عدم

انجمن ایالتی و خواسته‌های اجتماعی مردم اصفهان

پرداخت مالیات ترغیب می‌کند. از این رو وزیر داخله در تلگرافی خطاب به انجمن اصفهان هشدار داد «مدار انتظام امور مملکت منوط به نظم عمل مالیات است که بودجه مملکت مرتب و منظم باشد و تکلیف انجمن محترم مساعدت در وصول مالیات است... و اگر بخواهند برخلاف آن رفتار نمایند خارج از ترتیب مشروطیت است.»^{۶۴} این تلگراف، تهدیدی نیز همراه خود داشت؛ تهدید به انحلال انجمن مطابق ماده ۸۵ قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی. مطابق این ماده، شاه می‌توانست با تصویب وزیر داخله، حکم به انحلال انجمنی بدهد. اما انجمن اتهام مذکور را رد کرد.

انجمن ایالتی، محلی بود که حتی نزاعهای جمعی نیز باید در آنجا فیصله می‌یافت. به دنبال نزاعی میان چیت سازها و خلجها، پنج نفر از چیت سازها زخمی شدند. چیت سازها دستجمعی به انجمن شکایت بردند. انجمن مهم‌ترین و معتبرترین قدرت شهری بود. لاجرم «دو سه نفر از کدخدایان و ریش سفیدان آنها را خواستند. آقای ثقة‌الاسلام در مقام نصیحت برآمده که می‌دانید وقت چه قدر تنگ است و مفسدین در صدد ایقاد فتنه می‌باشند. در این صورت خوب است دکانها را باز کرده که منجر به فساد نشود. ماها اینجا برای اصلاح این گونه امورات نشسته ایم.»^{۶۵}

۲۶۵

عبور از استبداد صغیر

از ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ تا ده ذی‌حجه همان سال به مدت هفت ماه، انجمن ایالتی اصفهان در دوره استبداد صغیر، تعطیل بود. بلافاصله بعد از ورود نیروهای بختیاری و فرار محمدعلی شاه، دوباره انجمن ایالتی به شکل موقت برپا گردید. در این مدت افکار عمومی در کشور، درگیر بازگشت مشروطیت بود. سرانجام با تصرف تهران و اعاده مشروطیت، کارها دوباره به روال سابق بازگشت. انجمن ایالتی اصفهان نیز در ۲۳ شعبان ۱۳۲۷ به طور رسمی بازگشایی شد^{۶۶} و چند ماه بعد سیل عرایض به انجمن سرازیر شد. در پی آن، انجمن «کمیسیون عرایض» را تشکیل داد. این کمیسیون به پیشنهاد مبصرالملک، نماینده حکومت، برقرار شد. چرا که وی معتقد بود «چون وظیفه انجمن، رسیدگی به امورات مهمه می‌باشد صرف وقت در قرائت عرایض سزاوار نیست. بهتر آن است کمیسیونی تشکیل شده که کلیه عرایض در آنجا رسیدگی و جواب نوشته شود.»^{۶۷} با آنکه عده‌ای از اعضای انجمن معتقد بودند که باید صبر کرد تا عده وکلا تکمیل شود، ولی نظر اکثریت بر ترتیب کمیسیون بود. سرانجام کمیسیون عرایض با حضور شش نفر از اعضای انجمن منعقد گردید تا عصر روزهای یکشنبه تشکیل جلسه دهند. به علاوه انجمن برای برقراری نظم جلسات خود، به اداره نظمیه متوسل شد که «شش نفر پلیس به موجب قانون ماده ۲۲ در موقع انعقاد انجمن حاضر باشند که مانع بی‌نظمی و دفع تهاجمات

در دور دوم، دیگر مؤسساتی چون اداره بلدیه، عدلیه، ولایتی و نظمی برای انجام امور مردم شکل گرفت و هر یک صاحب قدرت و اختیاراتی بود. اگر چه این ادارات برای گره‌گشایی از امور مردم و حل معضلات شهری شکل گرفته بود اما گاهی خود نیز عامل نارضایتی مردم می‌شد. بویژه اداره بلدیه که طیف وسیعی از کارهای شهری را در اختیار داشت و با وضع عوارض تازه، راههایی نیز برای درآمدهای خود می‌خواست. به این خاطر شاکیان اداره بلدیه نیز راهی جز انجمن نداشتند. «عریضه‌ای هم جماعت دلال مکاریها دادند، متظلم از بلدیه که چند جا باید باج و خراج بدهیم. به فریاد ما برسید.» رئیس انجمن اظهار داشت: «در اینکه بلدیه اجحافات و بی‌ترتیبی می‌کند محل کلام نیست.»^{۶۹} انجمن ایالتی هم، که خود را حاکم و نماینده مردم می‌دانست، معتقد بود که این «تحمیلات تازه» باید به تصویب انجمن برسد و هر کدام را که به تصویب نرسیده بود لغو می‌کرد. در مسئله مهم گرانی نان هم، بلدیه هدف تیر شاکیان شده بود. «در خارج انجمن جماعتی فریاد می‌زدند و از اغتشاش نان و گرانی و از بلدیه متظلم بودند.»^{۷۰} اداره نظمی هم زیر نظر بلدیه بود و بلدیه، حقوق افراد پلیس را درست پرداخت نمی‌کرد. از زبان نماینده پلیس نقل شده است: «اداء حقوق نظمی که از وظایف بلدیه است نمی‌رسانند و تکلیف ما چیست؟ پلیس که باید تنظیم شهر بدهد حقوق می‌خواهد.»^{۷۱} چندی بعد «پلیسها اجتماعاً به انجمن آمده حقوق می‌خواستند.»^{۷۲}

مسئله مهم دیگری که گریبان بلدیه و انجمن اصفهان را گرفته بود، تحدید فروش و استعمال تریاک بود. اگر چه «قانون تحدید تریاک» در ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ به تصویب مجلس دوم رسید،^{۷۳} اما از دو سال پیش، اداره‌های بلدیه قوانینی برای جلوگیری از فروش و استعمال این ماده برقرار کرده بودند.

تحدید تریاک، در شهری مثل اصفهان، که یکی از مراکز مهم تولید تریاک بود، بدون واکنش نماند. قهوه‌چیها شاکی بودند «حال که وافور در قهوه‌خانه‌ها غدغن شده، کسر کلی می‌کنیم. خوب است امر شود یا مالکین قهوه‌خانه‌ها تخفیف در اجاره بدهند یا غدغن شکسته شود.»^{۷۴} فروشندگان تریاک هم به اطراف انجمن هجوم آوردند. «جمعی عارض بودند که تریاک را انحصار در پانزده محله نموده‌اند و ما از این کسب، نان می‌خورده‌ایم. فعلاً بی‌کسب و کار می‌باشیم.»^{۷۵} انجمن که از این قانون دفاع می‌کرد، پاسخ داد: «بر حسب قراردادی که در طهران شده است، اداره بلدیه به تصویب اداره محترم ولایتی هم در اینجا قراردادی کرده، تغییر آن نظر به مصالح نوعیه امکان‌ناپذیر است.» موضوع تحدید تریاک به شدت انجمن را تحت فشار قرار داده بود به طوری که یک روز «جمعی سادات و غیره هجوم کردند و از روی بی‌قانونی در انجمن ریختند و داد و فریاد



سال ۱۳۲۴ قمری - انجمن ولایتی و مشروطه خواهان اصفهان در بخش دو - حضار به ترتیب شماره‌ها: ۱ - شادروان آیت الله حاج سید محمدباقر بروجردی؛ ۲ - آیت الله حاج سید عبدالعلی مرندی؛ ۳ - آیت الله سید ابوالحسن بروجردی؛ ۴ - حاج وزیر؛ ۵ - حجیت الاسلام سیداسماعیل رزوی؛ ۶ - آیت الله رزوی؛ ۷ - حاج محمدتقی نایفروش تاجر؛ ۸ - محمدرحیم بهبهانی تاجر؛ ۹ - حاج میرزا محمود بنکدار تاجر؛ ۱۰ - مکین الدوله؛ ۱۱ - قوام الدین مرندی با مشروطه خواهان مسلح بخش ۲ اصفهان.

می کردند... به قسمی که عرصه را بر اعضا تنگ کردند.» سید حسن مدرس به جمعیت خشمگین پاسخ داد: «آن همه خونها که ریخته شد برای نشر قانون عدل و مساوات بود که دیگر این گونه اجتماعات واهی و حرفهای بی قانون زده نشود. این کار تریاک باید موقوف شود و مردان از کسب و کار باز نمانند.»^{۷۶} اما مهاجمان «کسب و کار» می خواستند.

توقع مردم از اداره بلدیة همچنان بالا بود. حتی در آن زمان، رفع تکدی گری را نیز از بلدیة می خواستند. «در این اثنا عریضه اهالی [را] به انجمن آوردند. متظلم از بلدیة بودند. خلاصه آن: گذشته از آنکه قانوناً تشکیل دارالعجزه و دارالمساکین و رفع تکدی هر بلد وظیفه بلدیة است و تعدیل نرخ ارزاق و اقوات نیز از حقوق مفروضه آنهاست، از اقدامات آنها فعلاً نان یک من دو هزار فروخته می شود و گوشت هم لازم به توضیح نیست فعلاً کاری که این اداره می کند، فقط تشکیل ادارات مالیه و تعیین حقوق، که مال ملت بیچاره است، کار دیگر ندارند. به فریاد ما ضعفا و فقرا برسید.»^{۷۷}

اداره نظمیة هم که زیر نظر بلدیة بود از تیررس انتقاد، دور نبود. «بعضی از سادات تظلم کرده بودند به انجمن که در روز روشن در محله خواجه، پلیس در خانه شخصی ریخته و از بام وارد خانه شده اند.»^{۷۸}

در این دوره، اوضاع مالی دولت به حدی خراب است که از عهده پرداخت حقوق بر نمی آید و همین امر صاحبان حقوق را به انجمن کشانید. «در این وقت جماعتی از سادات و موظفین حقوق بر هیئت اجتماع به انجمن آمدند. عریضه دادند که ماها فقیریم و بی چیز و وظایف خود را غالباً فروخته. فعلاً نصف آن را مطالبه می نمایم. ما دعاگویان را آسوده خاطر نمایید.»^{۷۹} انجمن هم تلگرافی به نمایندگان اصفهان در مجلس شورا زده پی گیری کار را درخواست کرد.

روزنامه حبل المتین، شعبه کلکته، در انتقاد از اوضاع و مؤسسات کشور، آزادی بیشتری داشت. خبرنگار این روزنامه در انتقاد از انجمن ولایتی^{۸۰} اصفهان نوشت: «انجمن ولایتی الحق و الانصاف وظیفه خود را نمی داند. خیلی شبیه است به یک قرائت خانه بی نظم بی ترتیبی که گاهی در آن مباحثه و نزاع هم بشود. وکلای انجمن همچو فهمیده اند که باید به انجمن حاضر شوند و عرایض دعوائی و حقوقی مردم را رسیدگی نموده، رجوع به عدلیه یا نظمیة نمایند... راه ترفیة موکلین را هم این طور دانسته اند که باید حتی الامکان بار مالیات را تا می شود، از دوش آنها برداشت. ولو صد دینار هم هست برای آنها تخفیف گرفت. دیگر تصور نمی فرمایند که مشروطه بی پول صورت نخواهد گرفت... بیچاره بلدیة هر محلی را که برای دخل اداره معین کرد انجمن ولایتی رد نمود. از آن طرف هم مخارج نظمیة حواله بلدیة شد. محل دخل را تصویب نمودند.»^{۸۱} گفتنی است فرار از پرداخت مالیات و مراجعه به پایتخت، فقط منحصر به انجمن اصفهان نبود. یکبار وقتی

انجمن مشهد، ارسال مالیات را منوط به اجازه آخوند خراسانی کرده بود، یکی از شهود عینی نوشت: «حالا آنجا این قسم تلگراف کردند. سایر جاها که از اصل انکار دارند. می‌گویند اگر هم داده شود، باید به صرف خود آن شهر برسد.»^{۸۲}

روزنامه زاینده‌رود نیز اگر چه در اصفهان به چاپ رسید، اما نگاه نقادانه‌ای به وضعیت داشت. در رمضان ۱۳۲۸، ادارات تازه تأسیس اصفهان را به باد انتقاد گرفت و راجع به آنها نوشت: «اهالی اصفهان... یک سال و اندی است با کمال اشتیاق اصلاح ادارات را طالب اند. با آن همه خسارتی که برده، هنوز یک اداره صحیحی که تا یک درجه امورش از روی ترتیب باشد ندارد... آن اداره بلدی است که اسمی بی مسمی و صورتی بی معنی [است]. هنوز نتوانسته به تعدیل نرخ اجناس، که کوچک‌ترین وظیفه اوست، کامیاب گردد... امان از نظمیه که خانه‌های مردم را با کمال جسارت می‌برند... آن عدلیه است که به هیچ ترتیبی از مداخلات سایر ادارات آسوده نیست... هر کس به اداره ولایتی برود و عدم تناسب اعضای آن را مشاهده کند، خواهد دانست که علت این خرابیها چیست.»^{۸۳}

با این همه، ادارات با وضعیت و ترتیب پیش گفته، نظارت انجمن ایالتی را نیز بر خود نمی‌پذیرفتند. حتی علیه تذکرات این نهاد هم موضع می‌گرفتند. زمانی که اداره عدلیه مورد انتقاد انجمن قرار گرفت و به وزارت متبوع خود شکایت برد، رئیس انجمن گفت: «پرواضح است که وقتی انجمن بخواهد نظارت به ادارات دولتی نماید که اقدام به خلاف قانونی ننمایند، موافق میل آنها نشده، نظارت را لباس دخالت پوشانیده، به وزارت خانه متبوع خود شکایت می‌کنند. انجمن هم که همه روزه در تمام جزئیات واقعه نمی‌تواند با وزارت خانه طرف سؤال و جواب شود و به موجب و کالتی که از طرف ملت دارند و حق نظارتی که قانون به اینها داده، باید مراقبت تامه داشته باشند.»^{۸۴}

پایان کلام

انجمن ایالتی اصفهان در دوره نخست فعالیت خود، تقریباً تنها مرجع رسیدگی مردم بود که در مقام حاکم شهر می‌نشست و در نظام ساده مدیریتی، درخواستهای مردم را که بیشتر مربوط به بدهیهای مالیاتی بود، با سخاوتمندی رسیدگی می‌کرد. اما در دوره دوم، عناصر جدیدی که همان مؤسسات و ادارات نوپا بودند، در مقام اداره شهر با او شریک شدند. این هسته‌های قدرت نه به درستی از عهده فعالیت‌های رسمی بر می‌آمدند و نه جایگاه و حد و مرز فعالیت خود را دقیقاً می‌دانستند. این بود که انجمن ایالتی در دوره دوم هم، دیگر اعتبار پیشین را نداشت و هم با مشکلات جدیدی مواجه شد که محصول این دوران گذار بود. این آشفتگی را چندی بعد جنگ

فصلنامه مطالعات نابینا

جهانی اول به کلی در هم ریخت و سرانجام کار به دست مؤسساتی که در دوره رضاخان بازسازی شده بود، سپرده شد.

پانوشتها

- ۱- راجع به چرایی و چگونگی این انجمنها و همچنین نحوه تشکیل و اعضای انجمن ایالتی اصفهان (ر. ک: «شکل گیری و روند مشروطیت در اصفهان»، عبدالمهدی رجایی، زنده رود، پاییز ۱۳۸۳).
- ۲- قانون «انجمنهای ایالتی و ولایتی» در ربیع الثانی ۱۳۲۵ به تصویب مجلس رسید.
- ۳-
- ۴- مجموعه قوانین، عهدنامه‌ها و... مصوب مجلس مقدس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه، چاپخانه مجلس، بی تا، صص ۸۵-۶۶.
- ۵- گفتنی است مردم دهات و بلوک اطراف نیز برای طرح مشکلات خود، خیلی زود راه انجمن ایالتی را یاد گرفتند. علاوه بر آن درصد زیادی از مشکلات مطروحه در انجمن، مسائل شخصی و فردی بود که با وجود اهمیت زیاد، پرداختن به آن از حوصله این مقاله خارج است.
- ۶- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ش ۱، ۲۱ ذی قعدة ۱۳۲۴.
- ۷- همان.
- ۸- همان، ش ۱۶، ۷ ربیع الاول ۱۳۲۵.
- ۹- همان، ش ۱، ۲۱ ذی قعدة ۱۳۲۴.
- ۱۰- همان.
- ۱۱- همان.
- ۱۲- همان.
- ۱۳- همان، ش ۳، ۵ ذی حجه ۱۳۲۴.
- ۱۴- همان.
- ۱۵- همان. ش ۴، ۱۲ ذی حجه ۱۳۲۴.
- ۱۶- انجمن به «اداره گاریخانه» بیست روز مهلت داد تا محل اداره را به خارج از شهر منتقل کند.
- ۱۷- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ش ۵، ۱۹ ذی حجه ۱۳۲۴.
- ۱۸- همان.
- ۱۹- همان، ش ۶، ۲۶ ذی حجه ۱۳۲۴.
- ۲۰- همان.
- ۲۱- همان، ش ۷، ۴ محرم ۱۳۲۵.

انجمن ایالتی و خواسته‌های اجتماعی مردم اصفهان

۲۲- همان .

۲۳- بنیان‌گذاران انجمن تجار، حاج محمدابراهیم ملک‌التجار، حاجی محمدحسین کازرونی، سید محمدعلی جناب، میرزا حبیب‌الله امین‌التجار و... بودند. مذاکرات انجمن از کمیسیون رسیدگی به شکایات تجار فراتر رفت و در واقع بیانگر خواسته‌های اقتصادی مشروطیت بود که تأسیس بانک ملی، کشیدن راه‌آهن، ایجاد کارخانه‌ها و استفاده از پارچه‌های وطنی، عمده‌ترین آنها بود. به این ترتیب تجار اولین صنفی بودند که توانستند مجمعی تشکیل داده مطالبات خود را به صورت مستقل طرح و پی‌گیری نمایند.

۲۴- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ش ۷، ۴ محرم ۱۳۲۵.

۲۵- همان .

۲۶- همان، ش ۹، ۱۸ محرم ۱۳۲۵.

۲۷- همان، ش ۱۲، ۹ صفر ۱۳۲۵.

۲۸- همان، ش ۱۵، ۳۰ صفر ۱۳۲۵.

۲۹- همان .

۳۰- همان، ش ۱۷، ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۵.

۳۱- همان، ش ۲۰، ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵.

۳۲- همان .

۳۳- همان .

۳۴- همان، ش ۲۸، ۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵.

۳۵- همان، ش ۳۰، ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵.

۳۶- همان، ش ۳۱، ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵.

۳۷- همان .

۳۸- همان، ش ۳۲، ۱ رجب ۱۳۲۵.

۳۹- همان، ش ۳۳، ۸ رجب ۱۳۲۵.

۴۰- همان، ش ۳۵، ۲۲ رجب ۱۳۲۵.

۴۱- همان، ش ۳۶، ۲۹ رجب ۱۳۲۵.

۴۲- همان، ش ۳۷، ۶ شعبان ۱۳۲۵.

۴۳- همان .

۴۴- همان .

۴۵- همان، ش ۴۱، ۵ رمضان ۱۳۲۵.

۴۶- همان، ش ۴۵، ۳ شوال ۱۳۲۵.

۴۷- همان .

۴۸- همان .

۴۹- همان، ش ۴۷، ۱۷ شوال ۱۳۲۵.

۵۰- همان، ش ۴۸، ۲۴ شوال ۱۳۲۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مجموعه مطالعات تاریخی

- ۵۱- همان ، ش ۴۹ ، ۲ ذی قعدة ۱۳۲۵ .
- ۵۲- تاریخ اصفهان و ری و همه جهان ، میرزا حسن خان جابری انصاری ، چاپ اول ، مجله خرد ، ۱۳۲۱ ، ص ۳۵۴ .
- ۵۳- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان ، ش ۵ ، سال دوم ، ۱۳ ذی حجه ۱۳۲۵ .
- ۵۴- همان ، ش ۱۴ ، سال دوم ، ۱۸ صفر ۱۳۲۶ .
- ۵۵- همان .
- ۵۶- همان ، ش ۱۸ ، سال دوم ، ۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۶ .
- ۵۷- همان .
- ۵۸- همان ، ش ۱۹ ، سال دوم ، ۲۳ ربیع الاول ۱۳۲۶ .
- ۵۹- همان .
- ۶۰- همان ، ش ۲۰ ، سال دوم ، ۱ ربیع الثانی ۱۳۲۶ .
- ۶۱- همان ، ش ۲۱ ، سال دوم ، ۸ ربیع الثانی ۱۳۲۶ .
- ۶۲- همان ، ش ۲۵ ، سال دوم ، ۶ جمادى الاول ۱۳۲۶ .
- ۶۳- همان .
- ۶۴- همان ، ش ۲۶ ، سال دوم ، ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۶ .
- ۶۵- همان ، ش ۲۶ ، سال دوم ، ۱۳ جمادى الاول ۱۳۲۶ .
- ۶۶- همان ، ش ۸ ، سال سوم ، ۲ رمضان ۱۳۲۷ .
- ۶۷- روزنامه زاینده رود ، ش ۴۲ ، سال اول ، ۸ ذی حجه ۱۳۲۷ .
- ۶۸- روزنامه انجمن مقدس اصفهان ، ش ۳۷ ، سال سوم ، ۲۲ ذی حجه ۱۳۲۷ .
- ۶۹- همان ، ش ۵۰ ، سال سوم ، ۸ صفر ۱۳۲۸ .
- ۷۰- همان ، ش ۵۴ ، سال سوم ، ۲۲ صفر ۱۳۲۸ .
- ۷۱- همان ، ش ۵۰ ، سال سوم ، ۸ صفر ۱۳۲۸ .
- ۷۲- همان ، ش ۵۲ ، سال سوم ، ۱۵ صفر ۱۳۲۸ .
- ۷۳- به موجب این قانون ، هر ساله و به صورت فزاینده ، بر فروش تریاک مالیات بسته می شد تا سرانجام در سال هشتم اجرای قانون «استعمال شیره کلیتاً و استعمال تریاک ، غیر از آنچه برای دوا لازم است ، ممنوع خواهد شد.» (مجموعه قوانین ، عهدنامه‌ها و... ، ص ۳۴۹).
- ۷۴- روزنامه انجمن اصفهان ، ش ۲۶ ، سال سوم ، ۱۲ ذی قعدة ۱۳۲۷ .
- ۷۵- همان ، ش ۳۷ ، سال سوم ، ۲۲ ذی حجه ۱۳۲۷ .
- ۷۶- همان .
- ۷۷- همان ، ش ۵۰ ، سال سوم ، ۸ صفر ۱۳۲۸ .
- ۷۸- همان ، ش ۴۸ ، سال سوم ، ۱ صفر ۱۳۲۸ .
- ۷۹- همان ، ش ۵۰ ، سال سوم ، ۸ صفر ۱۳۲۸ .
- ۸۰- گفتنی است در دوره اول به موجب قانونی که از مجلس گذشت ، اصفهان ولایت شمرده می شد و انجمن آن نیز باید از انجمن ایالتی به انجمن ولایتی تنزل می یافت . به این خاطر در دوره دوم فعالیت ، انجمن اصفهان «ولایتی» خوانده می شد.

انجمن ایالتی و خواسته‌های اجتماعی مردم اصفهان

نیز در دوره دوم «روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان» به «روزنامه انجمن اصفهان» تغییر نام داد.

۸۱- روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۳۱، سال ۱۷، ۱۰ صفر ۱۳۲۸.

۸۲- خاطرات عین‌السلطنه، به کوشش ایرج افشار و مسعود سالور، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ج ۴، ص ۲۷۷۱.

۸۳- روزنامه زاینده‌رود، ش ۳۱، سال دوم، ۱۷ رمضان ۱۳۲۸.

۸۴- روزنامه انجمن اصفهان، ش ۱۱، سال چهارم، ۸ رمضان ۱۳۲۸.

